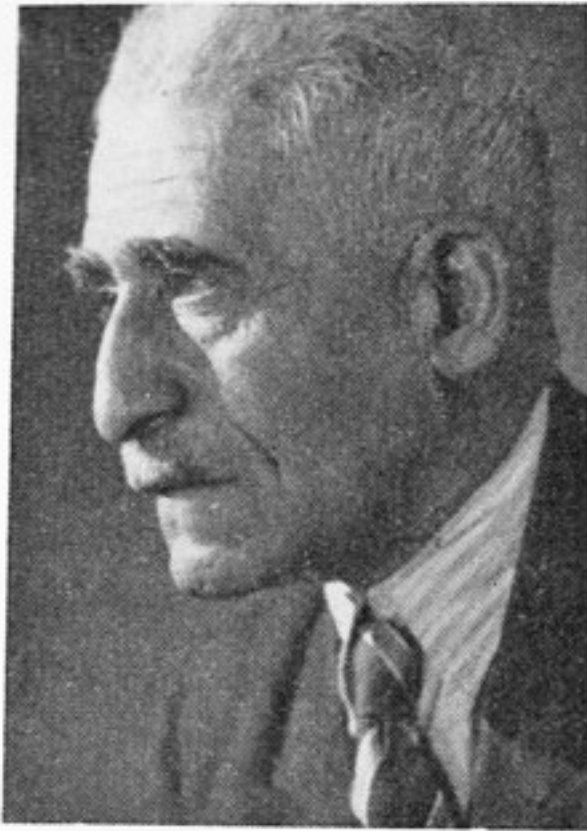


صنایع کاغذی یا مقوائی



این مقاله مبتنی بر تقریرات
فنی آقای مصورالملکی نقاش
عالیقدر اصفهانی تهیه شده است
و تصویرهای متن نیز از جناب
ایشان است.

قلمدان - ماسک - کله سازی - (مانند
سر عروسک - سر دیو و غول - کله شیر
سرهای اسرا در تعزیه) جعبه و قوطی -
مرقع - جلد کتاب - رحل سازی - آس
و غیره.

صنایع کاغذی یعنی انواع صنایعی که با کاغذ - کاغذ
هائی که بوسیله سریش یا چسب دیگری بر رویهم چسبانیده
شده اند و بصورت مقوای ضخیم و ناشکننده ای درآمده اند -
ساخته میشوند. بعضی از این صنایع در ایران از زمانی
بس قدیم معمول بوده اند و برخی جدیدترند. جعبه و قوطی
سازی مرقع و جلد کتاب و رحل قرآن صنایعی هستند بس
قدیمی - از آن زمان که کتب مختلف استنساخ شد صنایع
مربوط بکتاب مانند کاغذ سازی و تجلید نیز مرسوم گردید
و خط خوش همواره نیاز بمرقعاتی داشت که از آسیب
زمان در امان بماند و برای قرائت قرآن کریم به رحل احتیاج
پیدا شد. ضمناً یقین داریم که در ربع رشیدی در تبریز
این فنون تشویق میشده است و صاحبان این حرف رموز
مربوط بحرفه خود را در مکاتب هنری این محله علما
و هنرمندان بجد میآموخته اند. اما صنایع دیگر مانند
قلمدان سازی - ماسک و کله سازی در ایران صنایعی هستند
اخیرتر که شاید از زمان صفویه ببعد مرسوم شده اند
و گسترش یافته اند. اما در اینکه قلمدان سازی در زمان
صفویه مرسوم بوده است شکی نداریم. در یکی از طرحهای
منسوب به رضا عباسی که با عنوان «بزاز دوره گرد» در
شماره سوم مجله نقش و نگار بچاپ رسیده است می بینیم
که جلو مردی که بروی قالی نشسته است یک قلمدان و یک
دوات و چند ورق کاغذ و ضمناً یک قیچی و مقداری پارچه
قرار دارد. توجه شدید بتشریفات مذهبی در زمان صفویه
نیز بعید نیست که کله سازی را در ایران بطور کلی رواج
داده باشد زیرا در تعزیه ها بماسک و سرمقوائی نیاز زیاد
داشته اند. اما قدمت آس سازی تا چه پایه است نمیدانیم.
حدس میزنیم که پیشینیان ما اخیراً و خاصه از عهد قاجاریه
بعد باین نوع قمار علاقمند شده باشند. بهر صورت که

باشد کاغذی که اساس این نوع صنایع را تشکیل میدهد
در خود ایران ساخته میشده است و هنوز هم يك «کاغذگری»
در اصفهان هست. وارد کردن کاغذ از خارج بعلت نبودن
تسهیلات حمل و نقل امروزی گران تمام میشده است
و بعلاوه ایرانیها عادت داشته اند که نیازهای خود را شخصاً
مرتفع سازند.

کاغذ سازی یا کاغذگری - کاغذهای بیکاره و مخصوصاً
کاغذ عطاری - پارچه کهنه و تراشه چوب و گونی پاره
کمابیش مواد اولیه کاغذگری را تشکیل میداده است. این
مواد را با اصطلاح کاغذگران اصفهانی در «شال دستمال»
بزرگی می بسته اند و در آب می انداخته اند و مدتی همچنان
در آب مینهادند تا پیوسد. بعد از آب درآورده و بصورت
خمیر ناهمواری روی سنگ مینهادند و با تیشه آنرا نرم
میکردند. مجدداً این خمیر را در حوضك آب می انداخته اند
یکنفرکنار حوضك می نشستند و با پارو آب را بهم میزدند
است. استادکار قالبی حصیری در دست میگرفته است
(این قالب چهار چوبی بوده است که کف آن با حصیر
پوشیده شده بوده است) قالب را در حوضك میزدند
است و خمیر در قالب قرار میگرفته و آبها از حصیر

خارج می‌شده است. این خمیرهای قالبی را چهاردسته رویهم بر روی سنگ صاف مینهادند و بعدیک قطعه تخته محکم روی دسته‌های خمیر می‌گذاشته‌اند و روی تخته قرار میداده و مرتب پا می‌زدند تا آخرین قطرات آب از مغز خمیر کاغذی خارج بشود. آنگاه هردسته چهارتائی را برابر آفتاب می‌نهادند تا بخشکد. کاغذی که از این خمیر بدست می‌آمده است سفید نبوده است و دارای ضخامت بوده - کاغذ سفید را نیز در اصفهان تهیه می‌کرده‌اند و با ورقه‌های نازکتر. اما اینک کسی راز کاغذ سازی قدیمی اصفهان را نمیداند.

نقاشی روی هنرهای کاغذی

الف - رنگ : رنگهایی که برای نقاشی روی قلمدان و جلد کتاب و رحل قران و اوراق آس بکار میرفته است رنگهای معدنی و آبرنگ بوده نه رنگهای روغنی. این رنگها که در مشرق زمین متداول بوده رنگهایی ثابت بوده است. باصطلاح نقاشان ایرانی دو نوع رنگ در نقاشی ایرانی بکار میرفته است یکی رنگهای غیر شفاف و حاجب ماوراء که آنها را رنگهای «جسمی» میگویند و دیگر رنگهای شفاف و نشان دهنده ماوراء که آنها را رنگهای «روحی» میگویند. رنگهایی که در نقاشی روی قلمدان و ضمناً در سایر هنرها بکار میرفته تقریباً بترتیب زیر بوده است:

اول - از گروه رنگهای جسمی

- ۱ - سفیداب قلع (برای رنگ سفید)
- ۲ - زرنیخ ورق قزوینی (برای رنگ زرد)
- ۳ - گل ماشی (یکنوع خاک معدنی) برای رنگ تریاکی متمایل بزرد

گل اخرا (برای قهوه‌ای مایل بقرمز)

۵ - سبز سیلو (برای رنگ سبز)

۶ - شنجرف (برای رنگ قرمز)

- ۷ - سرنج (که از سرب سوخته می‌گرفته‌اند) برای رنگ نارنجی

دوم - از گروه رنگهای شفاف یا روحی

- ۱ - لاجورد (برای رنگ آبی - این رنگ در حقیقت هم جسمی است و هم روحی بسته بغلظت و رقت آن)
- ۲ - نیل برای رنگ آبی
- ۳ - مرکب و مرکب چین (برای رنگ سیاه)
- ۴ - عصاره ریوند (برای رنگ زرد)

۵ - قرمز دانه (که کرمهای ریز قرمزی است و در کناره‌های بحر خزر موجود است. قرمز دانه را در شراب می‌جوشانیده‌اند و می‌گذاشته‌اند تا ته‌نشین بشود بعد آنرا می‌خشکانیده‌اند گاهی هم با گچ مخلوط می‌کرده‌اند) برای رنگ قرمز.

۶ - سبز زنگار (از براده مس) برای رنگ سبز

ب - بوم سازی : معمولاً زمینه یا بوم را (غیر از بوم سفید که برای صورت سازی تهیه می‌کرده‌اند) با مخلوطی از رنگهای جسمی و سریشم گرم و شیرۀ انگور (شهد) آماده می‌ساخته‌اند. واضح است که رنگهای روحی برای زمینه و بوم سازی مورد استعمال ندارند. رنگهای روحی را با شیرۀ تنها می‌آمیزند و رنگهای جسمی را با شهد و سریشم. باید دانست هر نوع بومی که بسازند میبایستی بعداً

خارج می‌شده است. این خمیرهای قالبی را چهاردسته رویهم بر روی سنگ صاف مینهادند و بعدیک قطعه تخته محکم روی دسته‌های خمیر می‌گذاشته‌اند و روی تخته قرار میداده و مرتب پا می‌زدند تا آخرین قطرات آب از مغز خمیر کاغذی خارج بشود. آنگاه هردسته چهارتائی را برابر آفتاب می‌نهادند تا بخشکد. کاغذی که از این خمیر بدست می‌آمده است سفید نبوده است و دارای ضخامت بوده - کاغذ سفید را نیز در اصفهان تهیه می‌کرده‌اند و با ورقه‌های نازکتر. اما اینک کسی راز کاغذ سازی قدیمی اصفهان را نمیداند.

قلمدان سازی - دو قالب اصلی قلمدان یعنی زبانه و رویه را با چوب نهایت با قطعی کوچکتر از قطع مورد نظر تهیه می‌کرده‌اند. با سه لا کاغذ بهم چسبیده - در حالیکه هنوز مغز کاغذ تر بوده است سطح هر دو قالب چوبی را می‌پوشانیده‌اند و در آفتاب خشک می‌کرده‌اند. آنگاه دولای دیگر بآن می‌چسبانیده‌اند و پس از خشک شدن یک ورق کاغذ سفید اعلا هم روی هر دو قالب می‌کشیده‌اند. جدا کردن زبانه قلمدان از قالب بسی آسان بوده است زیرا یک سر آن باز است. اما جدا کردن رویه از قالب چوبی بوسیله بریدن و جدا کردن کله قلمدان بکمک یک تیغه فلزی امکان مییافته است و بعد کله را با سریشم بزبانه می‌چسبانیده‌اند. شک نیست که این مقوای بهم پیوسته را در هر مرحله بوسیله سائیدن با سوهان و استخوان قلم گوسفند صاف و هموار می‌کرده‌اند. قلمدانهای عالی را با کاغذ سفید اعلامی ساخته‌اند منتهی قریب بیست ورق کاغذ سفید بقالبهای چوبی می‌چسبانیده‌اند و شک نیست که این نوع قلمدان بسیار گران تمام می‌شده است.

معروفست که در زمان ناصرالدین شاه صدراعظم که باغاب احتمال میرزا تقی خان امیر کبیر بوده است فرمان داده است که کاغذ اعلا سفید بسازند و ساختند و گران تمام شد چنانکه ورقی یکقران خرج برداشت و چون مردم نخریدند منحصرأ برای فرمانهای دولتی از چنان کاغذگرانی استفاده شد.

باید اضافه کرد که طرز ساختن ماسک و سرعروسک و سرهای دیگر نیز مانند قلمدان سازی است. با این تفاوت که قالب آنها را از گل تهیه میکنند و روی گل چندین لا کاغذ می‌چسبانند و بعد سر را از وسط دونیمه کرده گلها را خارج می‌سازند و دوباره دونیمه سر را با سریشم و کاغذ بهم می‌چسبانند. در جلد سازی و مرقع سازی و حتی جعبه سازی احتیاجی بقالب گیری نیست.

البته هر چه تعداد لایه های کاغذ بیشتر باشد و مخصوصاً هر چه جنس اولیه کاغذ بهتر باشد محصول عالیت‌تر خواهد گردید. در آس سازی هشت لا از کاغذی را که طرز تهیه آن در فوق گذشت بهم می‌چسبانند - وقتی شکل اولیه شیئی مورد نظر بترتیب بالا آماده شد روی

یعنی درجعه سازی - مرقع - رحل قرآن - جلد کتاب مورد استعمال داشته است . برای مینیاتور و تذهیب سازی غالباً کاغذ را باسفید تخم مرغ میآلوده اند و روی آن آنقدر مهره میزدند تا صیقل یابد .

ج - نقاشی - بعد از تهیه بوم که عمل دشواری بوده است روی قلمدان یا جلد کتاب را نقاشی میکرده اند . ابتداء طرح اصلی را با گردن میریخته اند یا با قلم ظریف و سفیداب ترسیم میکرده اند و سپس رنگ میزدند . موضوع نقشهای روی قلمدانها غالباً افسانه های قدیمی و شاعرانه مانند شیرین و فرهاد خسرو و شیرین لیلی و مجنون موسی و فرعون و یوسف و زلیخا بوده است و همچنین صحنه های مختلف شکار و بزم و رزم و زراعت و غیره یعنی موضوعات نقاشی معمول زمان مورد استفاده قرار می گرفته است و ضمناً این نقشها تحت تأثیر سبک نقاشی متداول در هر عهد بوده است .

در زمان زندیه مخصوصاً گل و بوته سازی و طرح انواع پرندگان روی قلمدانها مرسوم گردید . انواع گلها مخصوصاً گل سرخ و لاله و شقایق و سوسن و اقسام بوته ها مانند بوته فندق و غیره و پرندگان از بلبل و دارکوب و طوطی و طاوس روی قلمدان نقش میکرده اند . روی بعضی از قلمدانها خاصه قلمدانهای عهد قاجاریه بمنظری شبیه مناظر غربی بارعایت پرسپکتیو و سایه و روشن و خانمهای فرنگی بادامنها گشاد بر میخوریم . از نقاشیهای معروفی که روی قلمدان کار کرده اند بایستی در اینجا نام آقا صادق اصفهانی - لطفعلی خان شیرازی - عباس شیرازی - آقانجف - آقا محمد ابراهیم نقاشباشی ظل السلطان - سمیرمی نقاش معاصر ناصرالدین شاه را ذکر کنیم . روی جلد کتب معمولاً گل و بوته طرح میکرده اند .

آس سازی - تهیه بوم در آس سازی ساده تراز بومهایی است که ذکر آنها گذشت . برای تهیه آس از هشت لا کاغذی که تهیه آنها در فوق شرح دادیم یا از قریب بیست لا کاغذ سفید مقوای بزرگی تهیه میکنند . روی این مقوا مخلوطی از سریشم و شیره میمالند و میگذارند در آفتاب بخشد . آس پنج رنگ داشته است و پشت تمام ورقها سیاه یکدست بوده و تهیه آن بنحوی بوده که در بوم سیاه

گفته شد . یکدست ورق آس یا ۲۵ ورق و یا ۵۰ ورق بوده است . رنگهای ورق آس بترتیب زیر بوده :

(۱) سفید - روی ورق را سفیداب شیخ بهائی مخلوط با روغن کمان میزدند و پس از خشک شدن و سنباده زدن و واشور کردن نقاشی میکرده اند . روی ورق سفید بی بی میکشیده اند .

(۲) سیاه - ورق سیاه پشت و روی آن سیاه بوده است . روی بوم سیاه یک شیر در حال جنگ با آهو یادو شیر تنها نقاشی میکرده اند و این ورق آس نام داشته است .

(۳) زرد - ابتدا روی ورق سریشم و شیره میمالیده اند - آنگاه روغن کمان زده و روی آن یک برگ زرد ورق میچسبانیده اند پس از روغن کمان زدن و سنباده کشیدن و واشور کردن روی این متن سرباز میکشیده اند .

(۴) قرمز - پس از لعاب سریشم و شیره دادن روی ورق و روغن کمان زدن یک برگ زرد ورق میچسبانیده اند - آنگاه با قرمز ، قرمز دانه و روغن کمان روی زرد ورق را قرمز میکرده اند و روی این متن قرمز زمینه طلایی یکزن یادوزن طناز نقاشی میکرده اند و این ورق لکات بوده است .

(۵) سبز - سبز سیلورا با روغن کمان روی ورق میزدند و پس از خشک شدن و روغن کمان و سنباده زدن و واشور کردن تصویر شاه (تمام تنه یا نیم تنه) را روی ورق میکشیده اند .

چنانکه گفته شد پشت تمام ورقها سیاه بوده است و شک نیست که تمام ورقها بیک اندازه و بابعاد ۶×۴ سانتیمتر بود . ضمناً باید دانست که گاه روی این ورقها یک صحنه تمام بزمی یا رزمی مناسب با هر یک از ورقها نقاشی میشده است و بسته به سفارش صاحب کار یا ابتکار نقاش طرز نقاشی روی ورقها تغییر میکرده است .

خوشبختانه در زمان ما آس بازی و در نتیجه آس سازی از میان رفته است و بدبختانه ورق بازی و ورق چاپی جای آنرا گرفته . اگر بتوانیم چنین منقصدی را از میان خود برداریم که زهی سعادت و گرنه آیا بهتر نیست اقلاً این اوراق شیطانی را باللهام از ورقهای آس بسازیم و از خارجه وارد نکنیم ؟

سرباز

آس

شاه

بی بی

لکات



روی آن روغن کمان بزنند . روغن کمان روغنی است که سابقاً کمان تیراندازی را با آن صیقل میدادند . روغن مزبور مخلوطی است از « سندروس » که ماده‌ای است زجاجی و شبیه کهر با و روغن بزرک به نسبت مساوی . البته این مخلوط را بایستی در دیک پخت تا خوب مخلوط شود و صاف گردد . بعد از روغن کمان زدن معمولاً یک پوشش رقیق از سریشم داغ بوسیله یک پارچه تر روی سطح مورد نظر میکشند و این عمل را با اصطلاح « واشور کردن » میگویند .

انواع بوم

۱ - بوم سفید برای صورت سازی - سفیداب معروف بسفیداب شیخ بهائی را با سریشم و شیره انگور مخلوط میکردند و روی سطح میکشیده‌اند . (به نسبت زیر : سفیداب ۴۰ مثقال - سریشم ۱۰ مثقال - شیره ۳ مثقال) .

۲ - بوم مرقش (۱) - مرقش خاکی است معدنی آمیخته بفلز که در انارک بحد و فور وجود دارد . این خاک سیاه است و دارای دانه‌های ریزنقره‌ای است - عمل مرقش بترتیب زیر بوده است : روی قلمدان یا جلد کتاب را مخلوطی از سریشم و شیره میمالیده‌اند - بعد از خشک شدن یکبار روغن کمان میزدند . سپس مرقش خشک را که مانند شن نرم است روی سطح اندوده و بروغن میپاشیده‌اند چنانکه این گرد سطح را میپوشانیده و بروغن میچسبیده - بعد در آفتاب خشک میکردند در نتیجه زمینه مانند کاغذ سمباده زبر و دانه‌ای میشده و بسان نقره برق میزده است . یکبار دیگر عین همین عمل مرقش را تکرار میکردند - سپس روی زمینه را سمباده میزدند تا تمام ناهمواریها صاف گردد . بوم مرقش را معمولاً بسه رنگ در میآوردند - زرد - قرمز و سبز . مرقش زرد بوسیله عصاره ریوند - تاذرات نقره‌ای بصورت زرد درخشان و براقی جلوه بکند - مرقش قرمز بوسیله قرمز دانه و مرقش سبز بوسیله سبز زنگار که البته همه رنگهای روحی هستند . پس از رنگ کردن مجدداً روغن کمان میزدند و پس از خشک کردن آنرا سمباده زده و واشور میکردند .

۳ بوم موجی - مخلوطی از قلع کوبیده محلول در آب سریشم داغ و رقیق روی سطح قلمدان یا جلد کتاب میکشیده‌اند و با سنگ یشم مهره میزدند . زمینه با این عمل بسان نقره براق میشده است . روی این زمینه

(۱) مرقش (بفتح میم و قاف) باید همان «مرقشیشا» باشد که بنقل از برهان قاطع بعربی حجرالنور گویند .



بوسیله سوهان بایستی سطح خارجی قلمدان را هموار کرد .



جدا کردن سر قلمدان



جدا کردن قالب از رویه قلمدان

معمولا دورنگ کار میکردند یکی بامخلوط قرمز دانه و روغن کمان و دیگری بامخلوط سبز زنگار و روغن کمان . متنی که بدست میآمده است قرمز یاسبز ته نقره ای بوده است . آنگاه باشانه ای که بجای دنده های آن سوزن خیاطی بچوب می بسته اند روی سطح شیارهایی از طول و عرض ایجاد میکردند و متن دارای شطرنجی های خیلی ظریفی میشده است و بعد از خشکاندن آن در آفتاب و روغن کمان و سمباده زدن روی این بوم نقاشی میکردند .

۴) بوم کشف (لاک پشت ؟) روی سطح قلمدان یا جلد کتاب را بامخلوطی از رنگهای بازو روغن کمان آمیخته بنفت (به نسبت ۳ بیک) می پوشانیده اند . بعد يك چراغ نفتی روشن میکردند و قیفی وارونه روی فتیله می گرفته اند و سطح مورد نظر را روی دهانه گشاد قیف نگاه میداشته اند تا دوده بصورت ابری بر آن بنشیند و برنگ آمیخته بروغن بچسبد . پس از خشك شدن روی این سطح روغن کمان میزدند - بعد سمباده زده و اشور میکردند .

۵) بوم ابری یا کاغذ ابری - حریطه سائیده با آب و افتمون را با چند رنگ از گروه رنگهای روحی بطور جداگانه مخلوط میکردند و در پیاله های مختلف میریخته اند . بعد در يك سینی آب میریخته اند و با قلم مو ازدو یاسه رنگ لکه هایی در ظرف آب ایجاد میکردند تا رنگها درهم بدود . بعد کاغذ سفید را روی آب می انداخته اند و فوراً برمیداشته اند . رنگها مثل ابرهای رنگین بر صفحه کاغذ نقش می بسته - در آفتاب خشك میکردند . این کاغذ رنگین را بر سطح مورد نظر می چسبانده اند .

۶) بوم ته طلائی سبز و قرمز - روی مقوا لعابی مخلوط از سریشم و شیره میزدند آنگاه بآن روغن کمان میزدند و آنرا در آفتاب دونه میکردند . يك ورق کاغذ طلائی فرنگی (زورق) را روی مقوا می چسبانیده اند و در آفتاب می گذاشته اند آنگاه از قرمز قرمز دانه یاسبز (زنگار مس) مخلوط با روغن کمان روی ورق طلا میزدند .

۷) بوم سیاه - دوده یا مرکب را با سریشم و شیره مخلوط میکردند و روی سطح میمالیده اند و بعد روغن کمان میزدند و پس از خشك کردن سمباده زده و اشور میکردند .

چنانکه ملاحظه شد بوم سازی در ایران با وسائل بسیار ابتدائی انجام میگرفته است ولی با همین وسائل بدوی پیشینیان ما چنان آثار نادر و زیبایی بوجود آورده اند که ماینک با داشتن وسائل علمی و فنی از ایجاد نظائر آنها عاجزیم . البته شرایط زمان و مکان و سهولت عرضه وسائل ماشینی غالب این آثار را منسوخ ساخته است . وشك نیست که در حال حاضر که وقت طلا شده است نیازیم بساختن آنچه گذشت با اینهمه صرف وقت و دقت نیست . بومهایی که ذکر شد در غالب صنایع کاغذی



قالب گیری قلمدان